

Research paper  
2 (1), 125-151, Fall, 2023

## An Analysis of Eco-Discourse in the Works of Ali Ashraf Darvishian: A Case Study of Abshouran's Collection of Stories and with Babam's Songs Hiva Hassanpour<sup>1</sup>, Hajar Hedayatizadeh<sup>2</sup>

### Article Info

**Article type:**  
Research article

**Article history:**  
Received: 20 October 2023  
Accepted: 14 December 2023

**Keywords:**  
ecolinguistics,  
foregrounding,  
identity,  
deletion,  
framing,  
realism

### ABSTRACT

Ecolinguistics is a contemporary interdisciplinary field that focuses on studying and examining the relationship between language and the environment. The connection between language and the environment is based on how humans interact with the natural world, shaped by perspectives, concepts, and worldviews, all of which are articulated through language. In this research, using a descriptive-analytical approach, we examine the influence of Ali Ashraf Darvishian (1320-1396 AH) in ecolinguistics and its reflection in his selected works ("Abshooran" and "The Sound of My Father's Music"). Darvishian was born into a less-privileged family on the outskirts of Kermanshah, Abshooran. Consequently, he witnessed widespread poverty from an early age, which greatly affected his family. The harsh nature and surrounding environment made life even more difficult for this segment of the population. The mutual relationship between nature and the lives of the lower class significantly influenced Darvishian, as demonstrated in this study through categories such as "highlighting," "identity," "erasure," "patterns and shaping," and "realism." The interpretation of these aspects indicates that the ecosystem plays a significant role in shaping the reality and perception, naming, ideology, and authority over the lower class. These stories provide a realistic representation of the lives of individuals who had a deep understanding of the role of nature in their lives and their inner selves.

Cite this article: Hassanpour, H., Hedayatizadeh, H. (2023). "An Analysis of Eco-Discourse in the Works of Ali Ashraf Darvishian: A Case Study of Abshouran's Collection of Stories and with Babam's Songs". *Journal of Linguistic Studies: Theory and Practice*, 2 (1), 125-151.



© The Author(s).

Publisher: University of Kurdistan.

DOI: [10.22034/jls.2024.140100.1050](https://doi.org/10.22034/jls.2024.140100.1050)

1. (Corresponding Author) Assistant Professor of Persian Language and Literature, Faculty of Language and Literature, University of Kurdistan, Sanandaj, Kurdistan, Iran.  
E-mail: [hiva.hasanpour@uok.ac.ir](mailto:hiva.hasanpour@uok.ac.ir)
2. Ph.D. student of Persian language and literature, Faculty of Language and Literature, University of Kurdistan, Sanandaj, Kurdistan, Iran, Iran-mail: [hedayatizadehajar@gmail.com](mailto:hedayatizadehajar@gmail.com)

سال دوم، دوره دوم، شماره اول، شماره پیاپی سوم، پائیز ۱۴۰۲، ص ۱۵۱-۱۲۵

### تحلیل گفتمان زیست‌محیطی در آثار علی اشرف درویشیان:

### مطالعه موردی مجموعه داستان‌های آبشوران و همراه آهنگ‌های بابام

هیوا حسن‌پور<sup>۱</sup>، هاجر هدایتی‌زاده<sup>۲</sup>

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله: پژوهشی	زبان‌شناسی زیست‌محیطی از دانش‌های بینارشته‌ای معاصر است که به مطالعه و بررسی ارتباط بین زبان و محیط زیست می‌پردازد. پیوند میان زبان و محیط زیست بر پایه نحوه برخورد انسان‌ها با جهان طبیعت است که متأثر از دیدگاه‌ها، مفاهیم و جهان‌بینی‌ها است و تمام این‌ها در زبان شکل می‌گیرد. در همین راستا در پژوهش حاضر با استفاده از شیوه پژوهش توصیفی - تحلیلی به مطالعه تأثیرپذیری علی اشرف درویشیان (۱۳۲۰-۱۳۹۶.ش) از زیست محیط و نحوه انعکاس آن در آثار منتخب او (آبشوران و همراه آهنگ‌های بابام) پرداخته می‌شود.
تاریخ وصول: ۲۸ مهر ۱۴۰۲	درویشیان در خانواده‌ای کم‌برخوردار و در حاشیه شهر کرمانشاه - آبشوران - متولد شد. به همین خاطر او از کودکی شاهد فقر گسترده‌ای بود که گریبانگیر خانواده شده بود. لذا طبیعت و محیط پیرامونی او به نحو خشنی اوضاع را برای این قشر از مردم سخت‌تر کرده بود. این ارتباط دو سویه طبیعت و زندگی طبقه فرودست به نحو بارزی درویشیان را تحت تأثیر قرار داده بود که در این پژوهش در قالب دسته‌بندی‌هایی شامل «برجسته-سازی»، «هویت»، «محو‌سازی»، «قالب‌ها و قالب‌سازی» و «واقع‌بودگی» نشان داده شده است. تفسیر موارد ذکر شده نشان از آن دارد که زیست‌بوم، نقش بسیار زیادی در شکل‌گیری واقعیت و طرز تلقی آن، نامگذاری‌ها، ایدئولوژی و سلطه آن بر مردم فرودست دارد. این داستان‌ها بازنمایی واقع‌گرایانه از زندگی افرادی بود که نقش طبیعت را در ارتباط با زندگی و روح و روان خود به خوبی درک کرده بودند.
تاریخ پذیرش: ۲۳ آذر ۱۴۰۲	
واژه‌های کلیدی: زبان‌شناسی زیست‌محیطی، برجسته‌سازی، هویت، محو‌سازی، قالب‌سازی، واقع‌بودگی	

استناد: حسن‌پور، هیوا؛ هدایتی‌زاده، هاجر (۱۴۰۲). «تحلیل گفتمان زیست‌محیطی در آثار علی اشرف درویشیان: مطالعه موردی مجموعه داستان‌های آبشوران و همراه آهنگ‌های بابام». *پژوهش‌های زبان‌شناسی: نظریه و کاربرد*، ۲(۱)، ۱۵۱-۱۲۵.  
ناشر: دانشگاه کردستان  
حق مؤلف: نویسندگان



DOI: 10.22034/jls.2024.140100.1050

۱. (نویسنده مسؤل) استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده زبان و ادبیات، دانشگاه کردستان، سنندج، کردستان، ایران.

[hiva.hasanpour@uok.ac.ir](mailto:hiva.hasanpour@uok.ac.ir)

۲. دانشجوی دکتری، گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده زبان و ادبیات، دانشگاه کردستان، سنندج، کردستان، ایران.

[hedayatizadehajar@gmail.com](mailto:hedayatizadehajar@gmail.com)

## ۱. مقدمه

با توجه به ارتباط تنگاتنگ و دوسویه زبان با محیط پیرامونی، زبان‌شناسی زیست - محیطی، دیدگاه جدیدی نسبت به مفهوم و معنی ارائه می‌دهد و معنا را نتیجه تعامل بین کاربران زبانی جوامع انسانی در آن محیط خاص می‌داند و درک آن مستلزم درک ارتباط دوسویه بین افراد جامعه انسانی با محیطی است که در آن زندگی می‌کنند. در این نظریه، واقعیت محیطی و جهان واقعی تا حد بسیار زیادی با ویژگی‌های زبانی گویشوران آن زبان و آن محیط بر ساخته می‌شود. بوم‌شناسی زبانی<sup>۱</sup> یکی از نظریات جدید در زمینه مطالعات زبان‌شناسی و جامعه‌شناسی است که اولین بار توسط آینار هاگن<sup>۲</sup>، زبان‌شناس آمریکایی-نروژی در قرن نوزدهم مطرح شد. او با پرداختن به ارتباط بین زبان و محیط زیست، اصطلاح «اکولوژی زبانی» را مطرح کرد و در اواخر قرن نوزدهم بعد جدیدی از مطالعات اکولوژی زبانی با عنوان زبان‌شناسی زیست - محیطی مطرح شد (Steffensen, 2007: 5; Bang, 2007)، رک قطره و همکاران، ۱۳۹۴: ۲۳۲). می‌توان گفت که «زبان‌شناسی زیست-محیطی، تحلیل محیط‌زیستی گفتمان را در بر می‌گیرد» (مقداری، ۱۴۰۰: ۱۰۵).

این پژوهش برآنست تا با استفاده از روش پژوهش توصیفی-تحلیلی، ضمن معرفی زبان‌شناسی زیست-محیطی محتوای داستان‌های مورد نظر را به اقتضای خود متن و نه بر اساس چهارچوب از پیش تعیین شده از منظرهای «برجسته‌سازی»، «هویت»، «محوسازی»، «قالب‌ها و قالب‌سازی» و «واقع‌بودگی» تحلیل و بررسی کند. طرح اصلی این پژوهش برای ارزیابی انواع تأثیرپذیری‌های درویشیان در دو اثر مورد بحث از مؤلفه‌های زبان‌شناسی زیست‌محیطی است.

## ۲. پیشینه پژوهش

در ارتباط با موضوع عنوان پژوهش، کارها و پژوهش‌هایی صورت گرفته است که می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

ویسی (۱۳۸۶) در پژوهشی با عنوان «ریشه‌شناسی واژه‌های آب و آتش و باد در فرهنگ و ادبیات ایرانیان از دیدگاه زبان‌شناسی زیست محیطی» به بررسی تعامل بین زبان و زیست محیط پیرامونی می‌پردازد. به همین منظور به بررسی واژه‌های آب و آتش و باد در فرهنگ بومی

<sup>۱</sup>The ecology of language.

<sup>۲</sup>E. Haugen.

ایرانیان و استعاره‌ها و واژه‌های مرتبط با آن‌ها می‌پردازد تا تعامل بین خصوصیات محیط طبیعی و زبان و نحوه شکل‌گیری دیدگاه‌های مردم نسبت به پدیده‌های طبیعی را نشان دهد.

قطره و همکاران (۱۳۹۴) در پژوهشی با عنوان «رویکرد زیست‌محیطی در پژوهش‌های زبان» معتقدند که واژگان، دسته‌بندی‌ها و طبقه‌بندی‌ها در هر زبانی در ارتباط با محیط زیست پیرامونی آن زبان به صورت متفاوتی بروز می‌کند. بر همین اساس، نویسندگان مقاله ضمن معرفی زبان‌شناسی زیست‌محیطی، پتانسیل بالای این نظریه را در بررسی‌های مرتبط با پژوهش‌های گویش محاورانه (با استفاده از دو گویش سمنانی و گیلانی) نشان می‌دهند. نویسندگان بیان می‌کنند که بسیاری از خصوصیات زبان، از جمله نام‌گذاری مفاهیم و پدیده‌ها و چگونگی شکل‌گیری استعاره‌ها و ... منظر زبان‌شناسی زیست‌محیطی، قابل توضیح است.

مقداری (۱۴۰۰) در پژوهشی با عنوان «تحلیل رویکردهای محیط زیستی از منظر زبان‌شناسی محیط زیستی» علاوه بر معرفی رویکردهای مطرح شده درباره زبان‌شناسی محیط زیستی به بررسی جایگاه و نقش زبان در ارتباط با اطلاعات اکولوژیکی و آموزش تفکر و نگرش اکولوژیکی به افراد جامعه می‌پردازد. نویسنده در پایان نشان می‌دهد که زبان‌شناسی محیط زیستی چیزی فراتر از نظریه‌های استعاری مرتبط با زبان است و نیز فقط شامل متون و نوشته‌هایی نمی‌شود که به صورت مستقیم به بحث راجع به محیط زیست پیرامونی پرداخته‌اند.

کرمی‌چمه و همکاران (۱۴۰۲) در مقاله «بوم‌گرایی در آثار علی‌اشرف درویشیان» از منظرهای ایدئولوژی و گفتمان، گفتمان و قدرت، گفتمان‌های مخرب و گفتمان‌های دوپهلوی به ارتباط طبیعت با انسان در آثار درویشیان پرداخته‌اند. این پیشینه جزو پیشینه‌های مستقیم این پژوهش به شمار می‌رود اما مباحث مورد بررسی با تکیه بر منظرها متفاوت و متمایز از هم هستند.

### ۳. مبانی نظری پژوهش

زیست محیط در نوع نگرش انسان‌ها تأثیرگذار است و «نقد زیست محیطی به ایجاد روابط معنادار میان خودآگاهی محیطی و زیبایی‌شناسی هنری و ادبی می‌پردازد» (سلیمی کوچی، ۱۴۰۱: ۲۶) گفتگو درباره میزان اهمیت بوم‌نقد به این می‌ماند که در پی اثبات لزوم ادامه حیات آدمی باشیم. «ایجاد گفتمان طبیعت محوری در ادبیات سبز می‌تواند تلنگری باشد به باورهای پیشین ما در باب کلان‌ترین مقولات هستی، طبیعت تنها و تنها نقطه پیوند دیرپای آدمی با جهان و آدمی با آدمی است. ادبیات سبز به ما می‌گوید که باید این بار در برخورد با زمین، رفتار دیگری پیشه کنیم و

ادبیاتی به مخاطبان عرضه کنیم که بیشتر به سود زمین باشد و بتواند در بلند مدت، نگرش‌ها، بینش‌ها و چه بسا علم و فن آوری را زمینی‌تر کند» (همان: ۱۲۹).

در این حوزه، «ساپیر»<sup>۱</sup> (۱۸۸۴-۱۹۳۹م) جزء نخستین زبان‌شناسانی است که به طور خاص ارتباط بین زبان و محیط زندگی را بررسی کرد و نشان داد چگونه عوامل بیرونی در زبان نمود پیدا می‌کنند (احمدی‌پور، ۱۳۸۷.ر.ک. قطره و همکاران، ۱۳۹۴:۲۳۳). وی در مقاله‌ای با عنوان «زبان و محیط زیست» به این نکته اشاره می‌کند که عوامل اجتماعی ساده‌ترین تأثیرات محیط را بازتاب می‌دهند و خود اجتماعی ماهیتی، زیستی و محیطی دارند. انسان درون این عوامل زندگی می‌کند، با آن‌ها تعامل دارد و به آن‌ها واکنش نشان می‌دهد. از این رو ساپیر محیط زیست را شامل عوامل فیزیکی (جغرافیا، آب و هوا، محیط طبیعی و مانند آن) و عوامل اجتماعی (هنر، مذهب، معیارهای قومی و نوع حکومت) معرفی می‌کند که تفکر و حیات افراد آن جامعه را شکل می‌دهند. هر دوی این دسته عوامل در زبان افراد بازتاب می‌یابند و پیشینه محیطی آن‌ها به طور مادی بر زبانشان تأثیر می‌گذارد. مثلاً؛ صرف اینکه در محیط طبیعی پیرامون افراد متعلق به یک جامعه زبانی، حیوانی خاص وجود دارد، دلیل کافی برای آن نیست که واژه‌ای را برای ارجاع به آن حیوان ابداع کرده باشند بلکه باید همه افراد آن جامعه آن حیوان را بشناسند و علاقه‌ای (هرچند اندک) به شناختن آن حیوان داشته باشند. به عبارت ساده‌تر، باید چیزی در مورد این حیوان آن را از سایر حیوان‌ها در نظر افراد آن جامعه بارزتر کرده باشد» (قطره و همکاران، ۱۳۹۴:۲۳۳).

در راستای بررسی زبان‌شناسی زیست محیطی در دو داستان منتخب از درویشیان، دو اثر مورد نظر در قالب تقسیم‌بندی‌های: «برجسته‌سازی»، «هویت»، «محو‌سازی»، «قالب‌ها و قالب‌سازی» و «واقع‌بودگی» مورد بررسی قرار داده شده است تا براساس آن‌ها به بررسی ارتباط متقابل طبیعت و واژگانی که در زبان شکل می‌گیرند، پرداخته شود. ویژگی‌های محیطی و آب‌وهوایی (زیست‌بوم) بر آثار درویشیان تأثیر زیادی داشته از شاخصه‌های سبکی درویشیان و محملی بخصوص به منظور تبیین نظام اندیشگانی، باور، حساسیت‌ها و جهان‌بینی وی است. گذشته از این زیست‌بوم و پویایی آن در پروردن حوادث داستان و ایجاد زمینه برای کنش‌های مختلف کنشگران، نقش قابل توجه و چشمگیری دارد.

<sup>۱</sup>E. Sapir

#### ۴. تحلیل و بررسی

##### ۱.۴ برجسته‌سازی

برجسته‌سازی، ناظر بر این مسأله است که برخی ارزش‌ها، برگزیده می‌شوند و برخی دیگر، یا محو و یا به حاشیه رانده می‌شوند. این برجستگی بستگی به نگرش خالق متن است. وقتی نویسنده‌ای دغدغه زیست محیطی داشته باشد در خلق اثر خود به عناصر زیست محیطی و تناسب آن‌ها با متن خود توجه می‌کند «فلسفه زیست محیطی تحلیل‌گر، تعیین می‌کند که چه بخشی از زندگی باید برجسته‌تر نمایش داده شود» (استیبی<sup>۱</sup>، ۱۳۹۵: ۲۳۷).

نویسنده یک متن ادبی به شکل‌های مختلف می‌تواند در متن خود، ارزش‌ها و مفاهیمی را برجسته کند و سایر مفاهیم متضاد با آن‌ها را به سایه ببرد. در حقیقت، وقتی نویسنده به محیط زیست توجه دارد، سعی می‌کند عناصر آن را فراخواند و در این فراخواندن با تکیه بر عنصر تخیل خود، حتی به آن‌ها نام بدهد. این نام‌دهی، حاوی ارزش است و نگاهی ارزش‌گذارانه را در پی دارد. مثلاً نگاه یک انسان به گرگ بر اساس تجربه‌های زیسته و یا معرفت حاصل شده می‌تواند نگاهی باشد که منجر به طرد آن شود و نمی‌توان آن را با نگاهی که همان انسان به مثلاً مرغ یا گوسفند دارد، یکی دانست. چون این‌ها از یک دست نیستند و نمی‌توان آن‌ها را همگن دانست. در روایت‌ها نیز، طبیعت و عناصر آن متناسب با ارزشی که از نگاه فرد دارند، مفهوم‌سازی می‌شوند. در داستان‌های مورد بررسی نیز به شکل‌های مختلف این برجسته‌سازی دیده می‌شود:

«جاده سیاه و گرم و مستقیم در دوردست‌ها محو می‌شد و مثل اثر شلاقی بود که بر بدن سفید سرما زده‌ای مانده باشد، کرکسار با سفیدی یکدست از آن سوی جاده کشیده می‌شد و بالا می‌رفت [...] چه سرمایی است مثل تیغ تیزی که به خیار بزنی می‌برد. بچه‌مان داره می‌میره. [...] دهکده سرمازده و ساکت» (درویشیان، ۱۳۸۳: ۴۳-۳۷).

در جملات بالا، گریزی به مداخله بشر در طبیعت زده شده است هرچند جاده یکی از مظاهر ترقی و پیشرفت تمدن است اما توصیفی که نویسنده از آن به دست می‌دهد و نحوه بازنمایی آن، نشان از نگاهی ارزش‌گذارانه به آن دارد و آنچنان عینی و قابل لمس توصیف می‌کند که احساس درد با خواندن آن درک می‌شود: مثل رد شلاقی بر بدنی سفید، که سرخی و کبودی حاصل از آن ماندگار و نازیبا و دردناک است.

<sup>1</sup>Stibbe

همچنین، بخشی از زندگی خانواده‌ای محلی توصیف و نشان داده می‌شود، که فرزندشان از بیماری در رنج است، از طریق الگوی برجسته‌سازی و عینی و توصیفات، رنج یک خانواده از این دهکده را نمایش می‌دهد و همراه با بیماری فرزندشان جلو چشم خواننده قرار می‌دهد. در این متن، واژه‌های مرتبط با آب و هوای فصل زمستان و طبیعت زمستانی با واژه‌هایی چون تشبیه سرما به «تیغ تیز» (همان: ۳۸)، «دهکده سرمازده و ساکت» (همان: ۴۳)، سرما تشدید کننده بیماری «چه سرماییی است مثل تیغ تیزی که به خیار بزنی می‌برد. بچه‌مان داره می‌میره» (همان: ۴۳)، دارای بار منفی و همراه با احساسات منفی است، که به دلیل نارضایتی از وضع زندگی است (توزیع ناعادلانه امکانات، نبود وسیله حمل و نقل عمومی و مرکز بهداشت).

#### ۱.۱.۴ برجسته نشان دادن حیوانات خانگی

«پدرم اسم بچه‌گربه را صاحب منصب گذاشته بود، چون بچه‌گربه، دم درازی داشت و هروقت می‌نشست دمش را مثل شمشیری که غلاف شده باشد در کنار خود قرار می‌داد [...] اما صاحب منصب هر روز صبح صورتش را می‌شورد [...] صورت شستن را از صاحب منصب یاد بگیرد [...] آن صاحب منصب را بیاور تا بازی کنیم [...] صاحب منصب هم روزهای پس از ملاقات خوشحال است و خود را به پشت بابام می‌مالد [...] من می‌دانم که صاحب منصب خیلی دلش می‌خواهد که داداشم را ببیند» (درویشیان، ۱۳۸۳: ۵۳-۴۵).

«بوره، سگ پشمالوی آنها از پائین زوزه کشید» (همان: ۲۸).

در این داستان‌ها به بچه‌گربه و سگ، از طریق نام‌گذاری، و پذیرش آن در خانواده به عنوان فردی مجزا اهمیت خاصی داده شده است. به عبارت دیگر، نام‌گذاری حیوانات، نگاهی ارزش-گذارانه است که بر اساس برجسته کردن آن‌ها انجام شده است. دلیل توجه به این حیوانات نیز می‌تواند بافت مکانی داستان باشد که رخدادهای داستان در محیطی روستایی اتفاق افتاده‌اند. «اگرچه این کار باعث انسان‌نگاری می‌شود؛ اما وقتی برای حیوانات نام می‌گذاریم و به آن‌ها شخصیت می‌دهیم دیگر بدرفتاری با آن‌ها کمی مشکل می‌شود [...] نام‌گذاری فقط یکی از جنبه‌های فردیت‌گرایی است، روشی که در آن برای حیوان و انسان، شخصیت خاص و غیرقابل جایگزین در نظر گرفته می‌شود» (استیبی، ۱۳۹۵: ۲۴۲-۲۴۱).

در این دو نمونه (داستان) بخصوص نمونه اول، گربه دارای شخصیتی پرشور، و چون عضوی از خانواده پذیرفته شده است. آن‌ها خوشحالند و نیز خوشحال است، آنجا که هراسانند و نیز

هراسان است. حتی راوی این داستان آنقدر با صاحب منصب احساس نزدیکی می‌کند که به راحتی و صراحت از حس درونی وی سخن می‌گوید انگار که با نگاه کردن به گربه، زبان او را می‌فهمد و می‌داند چه می‌خواهد «من می‌دانم که صاحب‌منصب خیلی دلش می‌خواهد که داداشم را ببیند» (درویشیان، ۱۳۸۳: ۵۳). شاید بتوان گفت «این عمل فهم زبان حیوانات و لذت ناشی از آن [در این بخش از داستان]، نوعی پیوندیافتگی شخصیت با طبیعت را می‌رساند [...] و [نیز] نگاه زیبای بوم‌گرایانه‌ای که شخصیت به ذات حیوانات به عنوان جزئی از طبیعت دارد» (پارساپور و حسن‌پور، ۱۴۰۱: ۵۳). نکته قابل توجه دیگری که در داستان بچه‌گربه برجسته است، نقش آموزشی است که از سوی پدر خانواده برای او قائل شده و از فرزندان خود می‌خواهد که صاحب‌منصب را الگوی خود قرار دهند. «صورت شستن را از صاحب‌منصب یاد بگیرید» (درویشیان، ۱۳۸۳: ۴۸). این جمله از چند منظر حائز اهمیت است یکی آن که گربه در مقام یک کنشگر می‌خواهد به انسان چیزی را بیاموزد، برکشیده شده است، دوم آن که نقش کنشگری گربه باعث ارزش آن و همچنین برتری آن بر سوژه انسانی شده است و سوم آن که یک نگاه فلسفی پشت آن نهفته است چون اصولاً تمام بصیرت‌ها، به کنش مرتبط می‌شوند. «نتیجه این کار، ساختن قاعده‌ای جدید از راه دقیق‌سازی است. دقیق‌سازی یکی از مفاهیم کلیدی نظریه تجربی روابط نظام‌مند است. به طور کلی، جمله S1 دقیق‌تر از دیگری یعنی S0 است. اگر فرض کنیم که S0 (در زبان معمول یا فنی) تمام تفاسیر S1 را می‌پذیرد، S1 در مقابل S0 چنین حالتی ندارد» (نیس، ۱۳۹۹: ۸۴). گربه در مثال بالا، نقش S1 را دارد و فرزندان، نقش S0 را دارند. به عبارت دیگر، گربه، جامع‌تر و کامل‌تر از فرزندان است از منظر کنش صورت شستن. این منطق زبانی، نشان از برجستگی خاصی دارد که نویسنده از نگاه و منظر شخصیت داستانی برای گربه، قائل شده است. گربه از جمله سوژه‌هایی است که می‌توان آن را ارجاع مشترک نامید بدین معنی که دایره دلالتی و کنشگری آن در نظر انسان‌ها نزدیک به هم است و استفاده از آن در متن ادبی، جدا از کمک به فهم بهتر موضوع برای خواننده (به دلیل تعلق آن به ساختار واقعیت)، می‌تواند نشانگر کیفیت‌های نوع سوم باشند که به طبیعت داده می‌شوند. کیفیت‌های نوع سوم «در برگیرنده کیفیت‌های ادراکی پیچیده مانند کیفیت نیرومندی مثل نت‌های متوالی ارکستری قدرتمند و نشانه‌های دیداری در خصوص حمله گاو نر و کیفیت‌هایی مانند حزن، زیبایی، تهدید



و رقت است» (همان: ۹۸). این کیفیت‌ها متعلق به ساختار واقعی نیستند بلکه به آن‌ها داده می‌شوند. پس وجود چنین کیفیت‌هایی که واقعیت ندارند اما به یک واقعیت داده می‌شوند، نشان از برجسته‌سازی است.

«رفت برایش یک توله‌سگ آورد، تا بازی بکنه، زینل تا توله‌سگ را دید، دیگر باوه و برار از یادش رفت» (درویشیان، ۱۴۰۰: ۲۲).

آنچه به صورت برجسته نشان داده می‌شود این است که «انسان‌ها از جهات گوناگون از جمله داشتن همدم، سرگرمی، نشاط روحی، درمان [...] بیشتر به سایر موجودات زنده نیازمندند تا موجودات زنده دیگر به انسان‌ها» (بهروزی و فنائی، ۱۴۰۱: ۳۳). و بازی، اشتراکی میان انسان و حیوان، آنچه زبان‌شناسی زیست محیطی درباره معنای محیط زیست به کار می‌برد، شامل روابط دوام‌بخش زندگی انسانها با یکدیگر، موجودات زنده دیگر و محیط فیزیکی می‌باشد. «شکل-گیری من از حضور دیگری متأثر است [...] شکل‌گیری آن به من وابسته می‌شود [...] که با من همزیستی و همبودی دارد [...] این تأثیر و تأثر یا اشتراک بین‌الذهرانی زمینه بنیادی اشتراک طبیعی آدمیان و وسیله شکل‌گیری جهانی مشترک است» (لیوتارد<sup>۱</sup> به نقل از پرتوی، ۱۳۹۴: ۴۱). تأکید نویسنده بر آن که جزئی از طبیعت (در اینجا توله‌سگ) وقتی با شخصیت هم‌بازی شد آن شخصیت حتی پدر و برادر خود را فراموش کرد، نشان از یک برجستگی دارد. برجستگی‌ای که این عنصر از طبیعت و نقش و جایگاه او را نشان می‌دهد.

«باز هم دیر رسیدیم، اتوبوس باید رفته باشد [...] می‌بایستی کمی دست می‌جنباندی. پاک کردن طویله مگر چقدر وقت می‌گیره؟ سه تا گوسفند و یک الاغ، که این همه کار نداره، بچه‌مان داره می‌میره» (درویشیان، ۱۳۸۳: ۳۸).

استیسی به نقل از هال در بخشی از کتاب خود می‌نویسد «بسیاری از مردم در تعامل‌هایشان با حیوانات اهلی و وحشی، حسی عمیق از تعهد دارند، [...] وقتی اشتیاق ما برای ارتباط با دیگر موجودات زنده اقلان شد [...] به یک حس عمیق جسمی مبنی بر تعلق و همسویی با جهان طبیعت می‌رسیم» (۱۳۹۵: ۲۵۲).

در اینجا توسط مادر خانواده که دارای فرزندی بیمار است و باید او را به مرکزی درمانی خارج از محدوده زندگی خود برساند، این موضوع برجسته‌سازی می‌شود که حیوانات به عنوان

<sup>1</sup>Lyotard

موجوداتی ارزشمند و مهم دارای حقوق خود هستند و اینگونه این موضوع را بازنمایی می‌کند. نقش زن و پیوند و احترام وی به طبیعت نیز در این مثال برجسته است و رابطه ویژه زن و طبیعت را در حالی که درگیر مشکلات و رنج بیماری فرزند است به عنوان حمایتگر دیگری (غیر انسان) نشان می‌دهد. «نودینگ و رودیک از طرفداران فمینیسم، اخلاق مراقبت را به عنوان اخلاق سازگار با تجربیات زندگی زنان درک می‌کنند [...] این متفکران اقرار می‌کنند که زنان به لحاظ تاریخی نزدیکتر از مردان به طبیعت به تصویر کشیده شده‌اند. از این دید اخلاقی مراقبت، به همان اندازه که به نحو مناسبی روابط مادر-کودک را شامل می‌شود، شامل روابط انسان-طبیعت [نیز] می‌شود. زنان، که می‌آموزند این مراقبت را به طور مستقیم تر و بی‌واسطه‌تر از مردان تجربه می‌کنند، سخنگوهای مناسب تری برای منافع طبیعت هستند» (دژاردن<sup>۱</sup>، ۱۳۹۶: ۵۲۹).

«بوته سرخ شده را با گیره‌های بزرگ می‌گیرند و از کوره در می‌آورند بوته به رنگ خورشید است، نمی‌توانم خوب نگاهش بکنم، صورتم داغ می‌شود، تشنه می‌شوم» (درویشیان، ۱۴۰۰: ۱۷).

همچنین، برای برجسته‌سازی دنیای فراتر از انسان (در این مثال سختی نوع کار) از تشبیه استفاده کرده است. هم موضوعی توصیف شده و هم حوزه زندگی (نوع محل کار) که برای توصیف آن به کار می‌رود. سختی کار برای کودک به مثابه نگاه مستقیم به خورشید که سخت و ناممکن بوده می‌باشد که جسم وی را به شدت می‌آزارد.

«قبادخان دولت‌مند بود، خیلی گوسفند داشت! وقتی گوسفندهایش را سالی یکبار می‌آورد تا بشمرند، صبح تا عصر طول می‌کشید [...] چند شب قبل از فروختن گوسفندها به آن‌ها نمک می‌داده، ولی آب نمی‌داده، تا وقت فروختن. بعد به گوسفندهای تشنه آب می‌داده تا سنگین بشوند» (همان: ۳۲).

تجارت، رفاه و فعالیت مفید اقتصادی حق آدمی است؛ اما آنچه که به صورت برجسته در نمونه فوق نشان داده می‌شود، زمانی که انسان پا فراتر از آن نهاد و به صورت غیراخلاقی و خارج از برآورد نیازهای خود به مداخله مخرب در زندگی غیر از انسان (دیگری) روی آورد، مرتکب عملی خلاف محیط‌زیست شده «مداخله کنونی انسان در زندگی جهان غیر انسانی، بیش از اندازه است و این شرایط به سرعت در حال بدتر شدن است» (نیس، ۱۳۹۹: ۶۴)؛ یعنی یک سیاست

<sup>1</sup>Des Jardins

اقتصادی کاذب که هم حقوق دیگری به عنوان موجودی زنده پایمال شده و از سوی دیگر، با هم نوع خود نیز صداقت ندارد. همچنین در متن حاضر، گوسفندها با توجه به نقشی که برای آنها ذکر شده در مورد فردیت و شخص آنها چیزی گفته نشده «وقتی گوسفندها رانه به عنوان فردیتی مستقل بلکه به عنوان بخشی از یک گله نشان می دهند، شخصیت مستقل او را از بین می برند. این نوع شخصیت زدایی کمترین میزان برجسته سازی را برای حیوان قائل است و از یک سو نابودی محیط زیست و از سوی دیگر نظام دامداری غیرانسانی را توجیه می کند» (استیبی، ۱۳۹۵: ۲۴۱). در این برجسته سازی نوع رفتار دامدار با حیوانات بازنمایی شده است که به حیوانات به عنوان موجود زنده ای که نفس می کشد یا برای هدفی خلق شده و همچنین حق حیات ذهنی دارد، نگرسته نمی شود؛ اما باید قبول کرد که «تمام موجودات عالم هستی چه زنده و چه مرده، با روح و بدون روح، دارای حقوقی ذاتی هستند» (هانت<sup>۱</sup> به نقل از یوما<sup>۲</sup> و مک گیل ری<sup>۳</sup>، ۱۳۸۲: ۴۹). علاوه بر این شیوه دامداری ذکر شده به صورت برجسته نوعی برده داری در برابر غیرانسان نیز می باشد «انسان محوری به معنای تسلط نامشروع و نامشروط انسان بر حیوانات و طبیعت، امری نامعقول و ناپسند است و از عوامل بحران زیست محیطی محسوب می شود» (پارساپور، ۱۳۹۲: ۵۹). در این قسمت از داستان، نادیده گرفتن انسانیت به فاجعه و بهره کشی از دیگری منجر شده است.

ابزار و دست مایه دیگر در ایجاد برجسته سازی، تشبیه است که در این زمینه نقش مؤثری ایفا می کند. «ذهن و زبان هنرمند از تأثیرپذیری از محیط و تجربه های زندگی برکنار نیست و در این میان، بسیاری از شگردهای بلاغی و ادبی به کار رفته در آثارش هم بازتاب ناآگاه و گاه آگاهانه محیط طبیعی و اجتماعی اوست [...] که نشان دهنده ارتباط تنگاتنگ مسائل هنری با تجربه ها و مشاهدات فردی از محیط زندگی و تأثیرپذیری از زیست بوم است [...] و زائیده ذهنی هستند که انسی دیرین با آن عناصر طبیعت دارند [...] و متناسب با همان فضا و تنیده در پیکره داستان اند» (صادقی شهپر، ۱۳۹۶: ۱۹۶-۱۹۵). نظیر نمونه های زیر:

«بابا ایستاده بود بالای سرمان. چشم هایش مثل چشم ماهی ها شده بود» (درویشیان، ۱۴۰۰:

۲۱).

<sup>۱</sup>Hunt

<sup>۲</sup>Yuma

<sup>۳</sup>Mc Gilrey

«آفتاب گرمی مهربان و دلگیری داشت، مثل دست‌های ننه/م بود» (همان: ۳۹).

«دوتا گربه دعوا می‌کردند. گربه‌ها چقدر ناله‌هایشان شبیه انسان‌هاست» (همان: ۶۸).

«دکاندارها مثل مرغ‌های کرج در خودشان فرو رفته بودند» (همان: ۸۸).

«مثل سه تا جوجه مرغابی تازه از تخم بیرون آمده، دور بابا می‌نشستیم» (همان: ۹۸).

«مثل گوساله تازه به دنیا آمده لیسیده شده بود. مثل کشتی کش‌ش‌ش می‌کرد» (درویشیان، ۱۳۸۳: ۴۱).

«از اتومبیل صدای گاوی در جاده پیچید» (همان: ۴۱).

«انگشتان قرمز و لبویی رنگش را مالید و در مشت فشرد» (همان: ۳۷).

«با دست‌هایش که مثل دهن اره زبر و خشن بود. او را نوازش کرد» (همان: ۳۱).

«و بارانی چون لوله آفتابه بر دهکده فروریخت» (همان: ۲۸).

«خدایا چه دختری! چه چشمان روشن و براقی دارد. مثل چشم گربه در تاریکی» (همان: ۸۳).

این تشبیه‌ها از تصویرهای عینی و قابل لمس زندگی روزمره استفاده، و آن‌ها را به صحنه‌ای از طبیعت اضافه می‌کنند و یک تصویر دقیق و با جزئیات را در ذهن بیننده و خواننده قرار می‌دهند. «طبیعت و عناصر آن نه تنها تشکیل دهنده فضای عینی داستان (فضایی که نویسنده به توصیف آن می‌پردازد) است، بلکه کم‌کم فضای ذهنی نویسنده را تحت شعاع قرار می‌دهد؛ به گونه‌ای که نویسنده از کلمات و تشبیهات و استعاره‌هایی استفاده می‌کند که متناسب با محیط است» (پارساپور، ۱۳۹۲: ۱۲۰).

تشبیهات مورد استفاده در این مجموعه داستان از نوع تشبیهاتی است که کنشگران با آن زندگی می‌کنند، حس و درک کرده‌اند و کاملاً برخواسته از تجربه زیسته آن‌ها است. «زیست جهان روزمره ما واقعاً شامل چیزهای ملموس است» (هیدگر به نقل از پرتوی، ۱۳۹۴: ۵۴). در واقع محیط و زیست‌بوم همان‌گونه که تجربه شده است و وجود دارد، ترسیم شده است. «زیستگاه بومی بر ذهن و زبان داستان‌نویس چنان تأثیری می‌گذارد که در بسیاری از موارد، یک نویسنده ناآگاهانه از واژگان و صور خیالی استفاده می‌کند که ملموس‌ترین چیز در ذهن اوست و با محیط داستانش هماهنگی کامل دارد» (صادقی‌شهپر، ۱۳۹۶: ۱۹۶). همان‌گونه که از مثال‌ها دریافت می‌شود تصویرسازی نویسنده با حالت‌های مختلف کنشگران هماهنگ بوده و بر روند داستان و اثرگذاری بر مخاطب مؤثر است «به نظر می‌رسد هماهنگی زمینه داستان با زمینه ذهنی نویسنده و تناسب تشبیهات با فضای موجود در داستان در تقویت داستان و تأثیرگذاری آن بر

خواننده مؤثر باشد [...] نحوه توصیف طبیعت متناسب با فضای داستان و حال و هوای شخصیت‌ها تغییر می‌کند» (پارساپور، ۱۳۹۲: ۱۲۱-۱۲۲).

#### ۲.۱.۴ برجسته‌سازی زبانی

بهره‌گیری از زبان راهی دیگر برای برجسته‌سازی است:

«ریخمه مشت می‌کردیم. برای سگ‌های ولگرد و گربه‌های بی‌پناه با سنگ خانه می‌ساختیم»  
(درویشیان، ۱۴۰۰: ۱۱).

در این متن برای برجسته‌سازی دنیای طبیعت در ذهن خواننده از زبان بهره می‌برد «تا حیوانات را به عنوان موجودات مهم و ارزشمندی که دارای حقوق خود هستند، بازنمایی کنند» (استیبی، ۱۳۹۵: ۲۵۳). حق داشتن سرپناه از زبان شخصیت‌های داستان برای سگ‌ها و گربه‌ها، نشان‌دهنده دیدی متمایز به رابطه دو سویه، میان انسان و غیرانسان، انسان و دیگری است. «مراقبت از محیط-زیست، لازمه تغییراتی بنیادی در رابطه ما با آن و در نتیجه، الگوی زندگی اجتماعی ماست» (اکلشال<sup>۱</sup>، ۱۳۹۰: ۲۸۳). هرچند واژه «ولگرد» برای سگ، ارزش این حیوان را به عنوان موجودی زنده تقلیل می‌دهد و آوردن واژه بی‌پناه برای گربه، نشان‌دهنده تعامل بهتر احساسی با این حیوان است.

#### ۲.۴ هویت

هویت به معنای داستانی در ذهن‌های مردم در زمینه‌ای اینک گونه خاصی از شخصیت افراد در ظاهر، ویژگی‌ها و مشخصه‌ها، رفتار و ارزش‌های آنها چه معنایی دارد (گیدنز<sup>۲</sup> به نقل از استیبی، ۱۳۹۵: ۱۵۵). به عبارت دیگر، هویت یعنی «شیوه‌ای که ما خود را برای دیگران توصیف می‌کنیم» (بارکر، ۱۴۰۱: ۴۳) به همین دلیل است در علوم اجتماعی برای هویت، خویش‌پنداری نیز در نظر گرفته‌اند «هویت عبارت است از خویش‌پنداری که ویژگی‌های شخصی ما را شکل داده است و ما را به عنوان بخشی از یک گروه اجتماعی متمایز می‌کند» (موتنر، ۱۳۹۷: ۱۰۸). کرامپتون و کاسر معتقدند که ارزش‌ها و هویت‌های فردی در ارتباط با محیط زیست، باید مورد هدف قرار گیرد و هدف آن‌ها تغییر آن مشخصه‌های اجتماعی است که جنبه‌های هویتی را که

<sup>۱</sup>Eccleshall

<sup>۲</sup>Giddens

به لحاظ زیست محیطی مشکل ساز هستند، حمایت کنند و رواج و ارتقاء سویه‌های هویتی که به لحاظ زیست محیطی مفید و سودمند هستند (کرامپتون و کاسر به نقل از استیبی، ۱۳۹۵: ۱۵۵).  
 بحث هویت و نمونه‌هایی از آن در آبشوران و آهنگ‌های بابام، به صورت‌های انسان‌پنداری، هویت مالک و... نمود پیدا کرده است:

«هروقت بابام کار و کاسبیش خوب نیست و خرجی خانه پس می‌افتد، مادرم را کتک می‌زند، گیسوی قشنگ بافته شده‌اش را دور دست می‌پیچد و در اتاق می‌گرداند، مادرم مثل گوسفند، چهار دست و پا به دنبال پدرم به زور کشیده می‌شود و گریه می‌کند [...] ما هم گریه‌کنان مثل بره‌هایی که مادرشان را برای سر بریدن می‌برند، به دنبال مادرمان می‌دویم و گریه می‌کنیم» (درویشیان، ۱۳۸۳: ۵۴-۵۳).

در این مثال با توصیفاتی که انجام شده است، راوی رنج‌های خود و اطرافیانش را به مانند زجر کشیدن یک حیوان، به هنگام بدرفتاری و ذبح، تداعی می‌کند و مقابل چشم خواننده می‌گذارد. «هرازگاهی جانورانگاری بدین معنا که رفتار انسانی، براساس رفتار حیوانی، تلقی می‌گردد در نوشتار طبیعت نو به چشم می‌خورد» (ان.دابلویو<sup>۱</sup> به نقل از استیبی، ۱۳۹۵: ۱۷۰).  
 در این نمونه (ما هم گریه می‌کنیم مثل بره‌هایی که مادرشان را برای سر بریدن می‌برند، به دنبال مادرمان می‌رویم و گریه می‌کنیم) با کنش گریه کردن، برای انسان و حیوان هویتی شکل می‌گیرد. اینگونه در مواجهه و نحوه برخورد با موقعیت‌ها اشتراکاتی را به تصویر می‌کشد. «احساس همدلی، تصویری تخیلی از تجربه‌ای زنده، از یک دیگری است، می‌توان دنیا را از طریق چشم‌های آن دیگری، بدون انکار تفاوت‌ها دید» (استیبی، ۱۳۹۵: ۱۷۱). در تصویر هویت ایجاد شده در این اشتراک، کودک با همذات‌پنداری «با گذاشتن خود به جای دیگری، از خود به گونه‌ای سخن می‌گوید که گویی می‌فهمد که به جای دیگری بودن چه مفهومی دارد» (نآس به نقل از بنسون<sup>۲</sup>، ۱۳۸۲: ۲۵۹). همچنین «جان‌بخشی به مخاطبان کمک می‌کند تا درک عمیق‌تری نسبت به حیات طبیعت داشته باشند و نسبت به درد و رنج موجودات دیگر حساسیت نشان دهند» (حسن‌پور و پارساپور، ۱۴۰۱: ۱۱۷). با توجه به وضعیت اقتصادی خانواده که بسیار پایین است و همین فقر سبب درگیری و خشونت خانوادگی شده، مشخص است که «شدت

<sup>1</sup>N.W

<sup>2</sup>Benson

همزادپنداری با سایر زندگان بستگی به محیط و شرایط اقتصادی و اجتماعی دارد» (نآس به نقل از بنسون، ۱۳۸۲: ۲۹۷). به این معنا که فضا، مکان و شرایط زیست حاکم بر آن در نوع تعامل انسان حتی با نزدیکانش مؤثر است «تأثیر خشونت یا آرامش محیط زیست روی خلق و خوی ساکنان نواحی مختلف تأثیر بسزایی دارد و بر روی روح و روان شخصیت‌های داستان نیز نفوذ کرده است» (پارساپور، ۱۳۹۵: ۹۷). در واقع «تعدادی از روش‌های زبان‌شناختی وجود دارند، که براساس آن‌ها نوشتار طبیعت نو، شامل نویسنده‌ای درون یک گروه می‌شود که این گروه شامل دیگری، یعنی اعضای غیر انسانی نیز هست» (اکتار به نقل از استیبی، ۱۳۹۵: ۱۶۸).

یک روش کلیدی در ایجاد هویت زیست محیطی به کاربردن ضمیر است. «چنان‌گویی را فقط یک‌بار دیگر از پدرش دیده بود، و آن زمانی بود که گاوشان از گرسنگی مرد» (درویشیان، ۱۳۸۳: ۳۰-۲۷). با به کار بردن عبارت گریستن برای تلف شدن گاو به دلیل گرسنگی، از سوی پدر خانواده، یک هویت شکل می‌گیرد، آن هم به وسیله کاربرد ضمیر (شان) در گاوشان؛ به این طریق، برای قرار دادن فرد و دیگر موجودات در مقوله یکسان به واسطه داشتن زندگی به عنوان یک ویژگی مشترک استفاده می‌کنند. «براساس تحلیل گفتمان بوم-گرای، روابط پایدار بین انسان، بین انسان و سایر موجودات غیر انسانی، بین انسان و محیط طبیعی همگی تحت تأثیر زبان هستند» (Guo, 2023: 73). هویت شکل گرفته علاوه بر مورد ذکر شده، نشان‌دهنده وابستگی اقتصادی و حیاتی خانواده به طبیعت و موجود طبیعی نیز هست «با گوشت، خون و مغز خود به طبیعت تعلق داریم و هستی خود را نیز از آن داریم» (انگلس به نقل از فاستر، ۱۴۰۰: ۲۴۱).

گفتمان اقتصادی نئوکلاسیک، معرف گستره‌ای از دسته‌بندی‌های اطراف به عنوان مصرف‌کننده، مالک، مدیر و... است. این گفتمان نوع ویژگی‌هایی را که این افراد دارند، توصیف می‌کند.

«یک روز آقا قاسم به دکان می‌آید و به بابام می‌گوید: بچه‌ها را بفروست پشت باغ ابریشم. در آنجا مقداری ته گلوله توپ ریخته آن‌ها را جمع بکنند و بیاورند [...] چیزی توی کوره ترکیده [...] حتماً مربوط به گلوله‌های توپ است [...] قاسم چاوکاو آنجا ایستاده و دستها را به کمر زده و به کوره ویران نگاه می‌کند و فحش می‌دهد [...] او مردم را بیرون می‌کند و دکان را می‌بندد و می‌رود» (درویشیان، ۱۴۰۰: ۱۳).

قاسم چاو کاو، حتی نام او برگرفته از اتفاق خاصی است (چاقو زدن به یک معلم، نویسنده) با توجه به توصیفات و ویژگی‌هایی که از او ذکر شده، وی صرفاً به ویژگی‌های بیرونی خود، نظیر رشد و پیشرفت خویش علاقه‌مند است، نه مسائلی از قبیل سلامت، بویژه محیط کار و شرایط آن، و رفاه جامعه یا محیط زیست؛ زیرا ساختار هویتی یک مالک، به حداکثر رساندن سود است. «بشر مدرن، بشر بی جهان است [...] زیرا دیگر متعلق به کلیتی معنادار نیست و ارتباط او با جهان به ارتباطی انتزاعی تقلیل می‌یابد. چنین ارتباطی توجه به محیط و صیانت و حفظ آن را بی‌ارزش می‌سازد و انسان را در مقابل محیط قرار می‌دهد» (پرتوی، ۱۳۹۴: ۲۱۹). در حقیقت به عقیده برخی از ناقدان بوم‌گرا «استثمار زیست‌محیطی، مقدمه‌ای است بر استثمار اجتماعی و این دو پیوند ناگسستنی دارند» (ذوالفقارخانی، ۱۳۹۸: ۲۵۳). بهره‌جویی و تلاش بی‌قید برای سودآوری بیشتر از سوی کارفرما، یادآور این نکته است که «مالک خصوصی هر قدر هم که ممکن است بایسته باشد تا تغییر جهان را با پیروی از قوانین طبیعت انجام دهد، نمی‌تواند چنین کند زیرا او منفعت و تنها منفعت را هدف خود کرده است» (کومروف<sup>۱</sup> به نقل از فاسترف<sup>۲</sup> ۱۴۰۰: ۲۴۸). در این درآمدزایی، مالک جهت سودآوری بیشتر هزینه‌های غیرقابل جبرانی هم به زیست‌بوم و هم به انسان وارد کرده است. هر چند «این اتفاق فقط حادثه‌ای از روی بدشانسی نیست، بلکه فقدان آسیب‌زننده احتیاط و فهم است و این فقدان، موضوعی است که در هر کاری که انجام می‌دهیم اثرگذار است» (اتنبرو<sup>۳</sup> و هاگز<sup>۴</sup>، ۱۴۰۰: ۱۰۰).

«از دور اتومبیل زرد رنگی پیدا شد، که آرام در جاده می‌راند، مرد دوباره بلند شد از اتومبیل، صدای گاوی در جاده پیچید، مرد رو کرد به زن و گفت؛ پسر اریابه تازه از آمریکا آمده، اریاب هر وقت می‌خواست از ما مرغانه و تپالانه و گوربسانه بگیره، همه‌اش می‌گفت برای پسر مه که در آمریکا درس می‌خواند [...] شاید حالا ما را با خودش ببرد به شهر [...] یک بوق گاوی دیگر شنیده شد، زن قشنگی کنار پسر اریاب نشسته بود و انار درشتی را مک می‌زد [...] اتومبیل از کنارش گذشت [...] زن شیشه را پایین کشید و یک انار درشت، حاشیه جاده انداخت. ماشین از جاده کنده شد در حالی که مرد و سرنشینش قاه قاه می‌خندیدند، دور شد [...] چطور به او

<sup>1</sup>Kumarof

<sup>2</sup>Fasterf

<sup>3</sup>Attenbough

<sup>4</sup>Hughes



بگویم که انار فقط پوسته که بادش کردند، که آبش را مکیدن و برای مسخره کردن ما آنجا گذاشتن و رفتن» (درویشیان، ۱۳۸۳: ۴۳-۴۲).

سطرهای بالا هویت یک مالک است که «مانند دیگر افرادی که توسط اقتصاد نئو کلاسیک توصیف می شوند به واسطه ارزش های بیرونی، منفعت شخصی، طمع، انتخاب مجدد و آرزوهای مالی انگیزه پیدا می کنند، شیلتون و همکاران (۲۰۱۲) به این نتیجه رسیدند افرادی که با خوانش واژه های ارزشی بیرونی مثل محبوبیت، حفظ وجهه عمومی و ثروت، برانگیخته می شوند نسبت به کسانی که با ارزش های درونی نظیر تأیید، پذیرش و آزاداندیش بودن، تهییج می شوند، اهمیت و نگرانی کمتری نسبت به عدالت اجتماعی و محیط زیست از خود نشان می دهند» (شیلتون<sup>۱</sup> و همکاران به نقل از استیبی، ۱۳۹۵: ۱۶۰).

### ۳.۴ محوسازی

با دقت در متن ها و آنچه که در آن ها بازنمایی شده است، با کمک زبان شناسی و نگاهی انتقادی به آنچه که نادیده گرفته و یا از متن حذف شده است، می توان به فرایند محوسازی پی برد؛ محوسازی، ناظر بر شکل ها و شیوه هایی است که از طریق آن می توان موضوعاتی را به حاشیه راند و از کانون توجه دور و یا خارج کرد. مانند نمونه های زیر:

«وقتی جوان بودم مرغابی ها را به دام می انداختم

و حالا مرغابی ها از دام کهنه ام فرار می کنند.

با تب و تاب دنبال می کردم

مشک خود را بردار و به لب چشمه بیا

پوست مشک تو از چرم شکار است

آب درونش دوی درد بیمار است.

پراو و بیستون دوتا برادر بودند

فلک کاری کرد که از هم جدا شدند.

صدای بوق ماشین در قهوه خانه می پیچد

این یار نازار کیست که به سفر می رود» (درویشیان، ۱۳۸۳: ۲۰).

<sup>1</sup>Shilton

«جان برگر به محوسازی حیوانات توجه داشته است در مقاله معروف خود چرا نگاه به حیوانات؟ بیان می‌کند در دو قرن گذشته حیوانات به تدریج در حال ناپدید شدن بوده‌اند، امروز ما بدون آنها زندگی می‌کنیم» (برگر به نقل از استیبی، ۱۳۹۵: ۲۱۷).

وقتی جوان بودم مرغابی‌ها را به دام می‌انداختم [...] آب درونش دوی بیمار است. یکی از شیوه‌های محوسازی حیوانات و گیاهان، اشاره مجازی به نقشی است که در درون یک اکوسیستم ایفا می‌کنند.

این بخش از متن که با فراخوانی گذشته شروع شده است (به دام انداختن مرغابی، چرم شکار، مَشک، دوی درد بیمار) می‌توان به عنوان یک گفتمان سلطه‌جویانه به آن نگاه کرد «ما باید استفاده تزئینی و پوششی از پوست و اندام‌های حیوانات را تحریم، و استفاده از آن‌ها را به عنوان نوعی عمل زشت قلمداد و تبلیغ کنیم. جانوران وحشی دارای بدن و اندام‌هایی هستند که کارکرد و ترکیب آن‌ها همانند کارکرد بدن و اندام‌های گاو و گوسفند و بز است و هیچ چیز اختصاصی و اضافه ندارند. بنابراین هیچ قسمتی از هیچ جانوری ارزش دارویی و پزشکی ندارد» (رادمنش، ۱۳۹۵: ۷۲). به موجود زنده به عنوان یک وسیله و ابزار زندگی و منبع غذایی، نه در مقام ارزش ذاتی خود آنها، نگریسته می‌شود. «در کل محوسازی حیوانات به عنوان موجودات زنده در گفتمان تجارت محصولات کشاورزی و دامداری، خطر بالقوه از میان رفتن ملاحظات اخلاقی، در برخورد با حیوانات را در برنامه‌ریزی و عملکرد نظام‌های کشاورزی و دامداری به دنبال دارد، کوتاهی در رعایت کردن ملاحظات اخلاقی، نسبت به حیوانات می‌تواند منجر به ایجاد روش‌های کشاورزی، و دامداری بسیار فشرده و افراطی شود که در آن مقدار زیادی گوشت تولید می‌شود؛ اما به شیوه‌ای که از لحاظ زیست محیطی مخرب است و بر سلامت و رفاه حیوانات تأثیر می‌گذارد» (استیبی، ۱۳۹۵: ۲۲۵).

در شعر فوق، نوع نگاه افراطی به حیوانات به عنوان منبع غذایی دیده می‌شود که استفاده افراطی از آن موجب به هم خوردن تنوع زیستی گشته، در نتیجه بر زندگی خود انسان‌ها تأثیر مخرب گذاشته، به گونه‌ایی که برای ادامه حیات، مجبور به مهاجرت و تغییر نوع سبک زندگی گشته است. این‌گونه اشعار به اشعار شبانی نیز شهرت دارند «شعری درباره طبیعت و زندگی روستائیان و شبانان و عشق و احساسات مختلف آنان، دنیای آرام در صلح، طبیعی و دور از

زندگی تباه شده متمدن را تصویر می کند. به مقایسه زندگی آرمانی و زندگی دشوار می پردازد.

از این رو، نوعی نگاه حسرت بار به گذشته آرام جامعه بشری دارد اما از واقعیات هم نگریخته است، بلکه هنرمندانه تصویر معصومی از جهان ارائه می کند که اتفاقاً می توان آن را انتقاد از دنیای فاسد شده متمدن دانست» (سبزیان مراد آبادی و کزازی به نقل از پارساپور، ۱۳۹۵: ۲۸). همچنین، در این شعر، (صدای بوق ماشین در قهوه خانه می پیچد این یار نازار کیست که به سفر می رود)، صدای بوق ماشین (به نوعی خود ماشین) که نشانی از پیشرفت تمدن امروز است، نوعی گفتمان مخرب و عامل جدایی مطرح می شود.

در حوزه استعاره مفهومی با الگوی؛ ماشین بد است مواجه می شویم؛ زیرا عامل جدایی است. همچنین در گفتمان حاکم بر این شعر عاشقانه، ظلم و تعدی به طبیعت احساس می شود؛ به «دام انداختن، پوست مشک تو از چرم شکار» نوعی گفتمان منفی است که با نماد تکنولوژی به جدایی از آن محیط می انجامد، شاعر به مشارکت و دخالت خود در طبیعت فکر می کند، در این گفتمان، طبیعت فقط و فقط به خاطر سودی که می رساند قابل احترام و ارزشمند است. کنشگر در این اشعار، دچار یک ارتباط احساسی با طبیعت می شود، زمانی که به زندگی گذشته خود نگاه و با امروز مقایسه می کند و تفاوت های آن را یاد آور می شود، از خود تجربی پیشین جدا شده است و در آن احساس می کند که دیگر آن شخصی نیست که قبلاً بوده است و به صورت مضمهر و در قالب یک خاطره تجربه شده، اینگونه القاء می کند که طبیعت هم دیگر آن رونق و تنوع گذشته را به دلیل مداخلات و زیاده روی های بشر ندارد. اشعار فوق، در قالب یک یادآوری نوستالژیک، در گیر در رویدادهایی است که به خاطر سپرده است. این تغییر و عدم ارتباط با خود گذشته به سبب رفتار و تعامل ناصحیح با طبیعت و ورود ناشیانه عوامل و نشانه های مدرن بوده و بر نحوه یادآوری گذشته تأثیر گذار است و با خود احساسی گذشته و زیست بومی که در آن گذران کرده است، ارتباطی نمی بیند و در قالب یک یادآوری «پناه بردن روح خسته و یا عاشق شاعر به طبیعتی بکر و ناشناخته، یا به عبارتی بهشتی گمشده ای که دور از پیچیدگی های حیات انسانی است. برای لحظاتی به او و خواننده آرامش می بخشد [...] تصاویر وصف شده، شاعر را به حیات غریزی و ابتدایی خود فرا می خواند» (پارساپور، ۱۳۹۵: ۱۷).

فلک کاری کرد که از هم جدا شدند».

گزاره بالا، اشاره ضمنی به دخالت انسانی در طبیعت بکر به صورت راه‌سازی و ساخت و ساز در دامنه این دو کوه که منجر به جدایی و فاصله میان آنها شده است، دارد. «هزاران سال است که فرهنگ‌های مختلف کوه را برای عظمت، شکوه، بردباری و گوشه‌گیری اش گرامی داشته‌اند. فرایند همذات‌پنداری پیش شرط احساس عدم بزرگی یا شکیبایی در خویشتن تجربی فرد است؛ انسان خود را در دیگری می‌بیند» (بنسون، ۱۳۸۲: ۲۹۵). در حقیقت انسان «زندگی خود را وابسته به طبیعت می‌داند و به همین دلیل برای طبیعت احترام قائل است» (حلو سی و همکاران، ۱۳۹۸: ۱۱۵). و نسبت به تغییر و دگرگونی در آن واکنش نشان می‌دهد.

«آنجا روی تنها درخت توت دهکده نشسته بود. دلگیر، گرفته و بغضناک. با چهره‌ای سوخته از آفتاب و اشک [...] دلش شور می‌زد. کف دست‌هاش هنگام بالا کشیدن از درخت خراشیده بود [...] نگاهش از روی سیل خروشان‌ی که درخت و او را در بر گرفته بود و تا پای تپه‌های دور، دامن گسترده بود می‌لغزید [...] و بارانی چون لوله آفتابه بر دهکده فرو ریخت [...] و ناگهان آب همه جا را فرا گرفت [...] از بالای درخت از دور دهکده را می‌دیدند که چگونه مثل غریقی ناامید عقب می‌نشست [...] برای آخرین بار از دور قیافه هراسناک مادرش را دید [...] موج خروشان‌ی او را در خود فرو برد [...] سیل همه چیز را برده بود. جاده‌ای که به شهر می‌رفت خراب شده بود و آب آن را گرفته بود» (درویشیان، ۱۳۸۳: ۳۰-۲۷).

سخن از تنها درخت توت، سیل، مرگ و... است، با وجود اینکه از تخریب محیط زیست، بهره برداری بی‌رویه، شیوه‌های افراطی کشت و... سخنی به میان نیامده و کاملاً حذف و یا به حاشیه رانده شده است؛ اما این نشانه می‌گوید که محیط‌زیست تخریب شده و خود انسان‌ها با اعمال خود موجب آن بوده‌اند (از بین رفتن و نبود پوشش گیاهی) چیزی که در متن حذف شده است، هرچند واژه و عبارت تنها درخت، خود گویای همه چیز است؛ نشان از بی‌وفایی آدمی در برابر طبیعت است که حتی در گریز از خشم خود، طبیعت باز به آن پناه می‌برد. به تنها درخت برای چنگ زدن به ادامه حیات و زندگی متصل می‌شود؛ اما او و درخت، هر دو محصور بر آشفته‌گی زیستگاه و طبیعت بی‌حفاظند. باران را به گونه‌ای توصیف می‌کند که انگار با وجودی سراسر خشم بر دهکده می‌بارد (و بارانی چون لوله آفتابه) باران سیلی می‌شود و همه چیز را در خود می‌بلعد و فرو می‌برد. آبی را که مهربان و مادر می‌پندارند به ناگاه بر آشفته و به تعرض

بی حد آدمی در دست اندازی و زایل کردن زیست بوم پاسخ داده و به آن می تازد. در این هجوم خشم طبیعت «دوئلی با محور شرارت بین انسان و موج ها آغاز می شود. کینه ای وجود آب را فرا می گیرد و آب تغییر جنسیت می دهد؛ با شرور شدن، وجود آب از مؤنث به مذکر تبدیل می یابد» (باشلار<sup>۱</sup>، ۱۳۹۴: ۲۸). البته محوسازی از ویژگی های ذاتی گفتمان است. «همه و همه یادآور این قابلیت بشر است که ممکن است هر چیزی را که به آن نیاز دارد و برای خود می اندوزد از دست بدهد. فقط ما انسان ها در روی زمین، این قدرت را داریم تا دنیاهایی را خلق، و بعد آنها را نابود کنیم!» (انتبرو و هاگز، ۱۴۰۰: ۱۰).

در این قسمت از داستان با توجه به جمله تنها درخت توت دهکده مشخص می شود که پوشش گیاهی و درختی از کانون توجه کنار گذاشته شده و همین سبب تخریب، آسیب جانی و مالی فراوان شده است. «انسان، جزئی از طبیعت است و بد و خوب سرنوشت وی نیز با آن پیوند دارد» (مسکوب به نقل از پارساپور، ۱۳۹۵: ۱۷). در این محوسازی زیست محیطی در گفتمان مشخص می شود که مسئله مهم چیست؟ (عدم آگاهی از اهمیت فضای سبز، افراط در بهره برداری و...). همین بی آگاهی و بهره وری بی رویه، سبب جنگل زدایی و در نتیجه عدم تعادل آب و هوا، فرسایش خاک و سیل می شود (صدیقی، ۱۳۹۹: ۳۹). انسان برای برآورده کردن آرزوهای خود، تلاش می کند محیط را به دلخواه خویش تغییر دهد؛ لذا رابطه انسان و محیط (زیست بوم) نشان - دهنده قصد وی برای دگرگونی و تغییر هم هست بنابراین اندیشه حفظ زیست بوم و طبیعت، یک نگاه ایستا و غیرقابل انعطاف نیست، بلکه موقعیت جدید زندگی انسان، چگونگی استفاده از محیط و مکان را بازتعریف می کند؛ اما زمانی که توازن و هم آهنگی میان این دو (انسان و طبیعت) از میان می رود یا تعدیل می شود، این خود انسان است که به مخاطره و مخمصه می افتد. «هستی آدمی به توان او در پرورش و حفاظت از زمین، حمایت از آن در برابر بهره برداری های بی رویه و دفاع از آن در برابر بهتان های سنت های متافیزیکی بستگی دارد» (نیچه، هیدگر و دیگران به نقل از پرتوی، ۱۳۹۴: ۱۴۹).

<sup>1</sup>Bachelard

#### ۴.۴ قالب‌ها و قالب‌سازی

قالب‌ها، ساختارهای ذهنی‌ای هستند که مجوز فهم و دریافت و حقیقت و آفرینش آنچه در نظرگاه ما واقعیت است، می‌دهند. در متن‌ها با پی بردن به قالب مسلط آن، پی برده می‌شود که نویسنده چه چیزی را می‌خواهد قالب‌سازی کند.

«رشد سبز فراگیر مسیری به توسعه پایدار است، این تنها راه برای سازگار کردن رشد سریع مورد نیاز، جهت رساندن کشورهای درحال توسعه، به سطح رفاه مورد علاقه‌شان، برآورده کردن نیازهای بیش از یک میلیارد نفر که هنوز در فقر زندگی می‌کنند و تحقق ضرورت جهانی محیط زیستی بهتر است» (پی.دی به نقل از استیپی، ۱۳۹۵: ۹۲).

«بله شنونده عزیز با وجود این که امسال برای جلوگیری از پیشروی کویر و حفظ بوته‌ها، بوته چهارشنبه سوری وجود نداشت، با این وجود بوته‌های قاچاق، بزم همه مردم را گرم کرد» (درویشیان، ۱۳۸۴: ۳۲).

در نقل قول بالا از طرف مسئولین، جلوگیری از پیشروی کویر و حفظ بوته‌ها، همان قالب رشد سبز فراگیر است که مسیری به سوی توسعه پایدار است؛ اما گفتمان مخرب قاچاق، در عمل آن را به حاشیه رانده و حذف کرده است در مکانی به نام ظلم‌آباد که قاچاق بوته‌ها و پیشروی کویر، سبب جاری شدن سیل و ویرانی و از بین رفتن زیست بوم شده است.

در این نقل قول در قالب مقابله با پیشروی کویر، تحریف و منجر به نتیجه عکس و در نتیجه محکوم به شکست شده است. «دیدگاه‌ها، ارزش‌ها و روش‌های صحبت قدرتمندان به نفع افراد ضعیف و پایین دست جامعه نیست. انسان چگونه خود و جهان را درک می‌کند و چگونه منتهی به نوع رابطه انسان و سایر موجودات می‌شود. انسان‌محوری از طریق زبان تقویت می‌شود و می‌تواند عامل تخریب زیست‌بوم باشد» (گو، ۲۰۲۳: ۷۴).

همچنین، این رویکرد، در واقع، کاهش واقع‌بودگی دیدگاه‌های زیست محیطی را نشان می‌دهد، در اینجا مسئولین که در قالب حامیان محیط زیست آن را بیان کرده‌اند، در واقع، افرادی غیرقابل اعتماد و غیرقابل اتکاء و غیر علمی (عدم مسؤولیت‌پذیری) بازنمایی می‌شوند. «برخی از مدیران محیط‌زیست، چشم‌انداز و اهداف خود را از طریق نشر بیانیه‌های سیاسی - محیط‌زیستی بیان می‌کنند تا حمایت و حسی از هدفمندی را القا کنند [...] در حالی که مدیریت محیط‌زیستی بی‌عیب و نقص را حمایت نمی‌کنند» (راپرت به نقل از عادلی، ۱۳۹۹: ۶۲). همچنین نقل قول،

گفتمانی دو پهلو است از یک سو حفظ محیط زیست، از سوی دیگر گرم شدن بزم با بوته قاجاق را نمایش می دهد. درویش معتقد است «کسانی که سکاندار مسؤولیت های مختلف هستند چندان فهمی از محیط زیست ندارند [...] محیط زیست فقط یک نمای فانتزی دارد که قدرت لازم و حمایت قوی برای خود ندارد» (فاستر، درویش به نقل از مترجم، ۱۴۰۰: ۱۲).

«نقب‌ها توی آشورا خالی می شدند. زباله‌ها را در آشورا می ریختند» (درویشیان، ۱۴۰۰: ۸).

همین مثال را زیر عنوان «قالب و قالب سازی» می توان مطرح کرد که در آن عملکرد طبقه حاکم را در دفع زباله، به چالش کشیده است؛ زیرا به طبیعت صدمه وارد می کند. طبقه حاکم، یک راهکار کوتاه مدت را برای دفع زباله ارائه داده است. این راه حل فقط به منزله مسکنی عمل می کند که اثر آن موقتی و محدود بوده که مخالف مقررات زیست محیطی است. «هماهنگی موفق محیط زیستی و توسعه، نیاز به آگاهی از محدوده های محیطی و انسانی و تهدیدات بالقوه دارد [...] اما دیدگاه انسان محور بیشتر به ملاک های اقتصادی و صنعتی پرداخته و کمتر مسائل محلی، اجتماعی و محیط زیستی مورد توجه قرار می گیرد و نیازها و منافع، انسان را مقدم بر حفاظت از طبیعت می شمارد» (عادلی، ۱۳۹۹: ۳۱-۳۰). در این جمله ها، یک قالب شکل گرفته است (طبیعت یک منبع است.) و این منبع رودخانه آبشوران است و به محلی برای انباشت زباله و پسماند تبدیل شده است «ساختار قالب منبع، شامل یک مالک و یک شیء است. که مالک حق انجام هر کاری نسبت به شیء را دارد. زمانی که به چیزی برچسب منبع را بدهیم این خود بدین معناست که آن چیز باید استفاده شود و یا به طریقی مورد سوء استفاده قرار خواهد گرفت» (شولتز به نقل از استیبی، ۱۳۹۵: ۸۶).

از جمله مشکلات مطرح شده در این قالب، رعایت نکردن اخلاق زیست محیطی از سوی مسؤولین است. «به نظر بوم گرایان، خودمحموری انسان و بی علاقگی به جهان غیر انسانی از جمله طبیعت، علت بنیادین تباهی زیست محیطی می باشد که خود ناشی از بی عدالتی و بی مروتی و نگرش ابزاری به جهان غیر انسانی توسط انسان است» (درخشه، ۱۳۸۴: ۱۷۳). در متن های فوق همین بی علاقگی منجر به تباهی دامنگیر حیات بشر شده و منجر به خسارت های مالی و جانی شده است. «ما ناگزیریم با محیط زیستمان دوست باشیم تا رد پای وجودی اش را به دست بیاوریم» (شولتز به نقل از پورمند و همکاران، ۱۳۸۹: ۲).

## ۵.۴ واقع‌بودگی

در اذهان افراد، روایت‌ها و داستان‌هایی وجود دارد مبنی بر اینکه توصیف‌های خاصی از حقیقت‌ها، درست، غلط، غیرقطعی یا قطعی هستند.

«نه وقتی خسته نباشد، توی آسمان راه مکه را به من نشان می‌دهد و می‌گوید: قدیم‌ها که ماشین و هواپیما نبود، این جاده بهتر پیدا بود؛ ولی حالا دیگر دارد از بین می‌رود» (درویشیان، ۱۳۸۳: ۱۲).

در جملات بالا، از زبان ننه به‌عنوان یک راوی موثق و قابل اعتماد، با قطعیت بیان می‌شود که به دلیل آلودگی زیست محیطی، راه دیده نمی‌شود. این قطعیت در این گفته، ناشی از اعتبار علمی نیست، بلکه تجربه است؛ در حالی که واقع‌بودگی، دخالت انسان در این آلودگی زیست محیطی را نشان می‌دهد. «صدای طبیعت در جامعه ما هنوز بازتاب پیدا نکرده است. تخریب محیط‌زیست و آلودگی زیست‌محیطی همچنان ادامه دارد و طبیعت همچنان قربانی اقتصاد، فرهنگ و تکنولوژی می‌شود» (پارساپور، ۱۳۹۵: ۹۱).

«من می‌دانستم که آب دنیا را نمی‌برد، آب فقط خانه‌های گلی را می‌برد، خانه‌های سنگی و آجری را آب نمی‌برد» (درویشیان، ۱۴۰۰: ۱۳).

«من می‌دانستم» به صورت قابل توجهی واقع‌بودگی را نشان می‌دهد. با قاطعیت نوع ساخت و ساز و مصالح غیراستاندارد را عامل تخریب و خسارت به وسیله سیل می‌داند، قطعیت بیان شده نه به جهت اعتبار علمی است «بلکه ناشی از اعتبار تجربه مستقیم است. واقع‌بودگی توصیف با ذکر دقیق جزئیات رخداد تقویت می‌شود [...] الگوهای کلی رخدادها به اندازه جزئیات، داستان را معتبر نمی‌سازند. انواع مختلفی از چیزها وجود دارند که تنها کسی که شاهد آن رخداد بوده است از آن آگاه است» (پاتر به نقل از استیبی، ۱۳۹۵: ۱۹۹-۱۹۸). تقابل ناهمسان سنگ و آجر در مقابل خشت و گل، نشان از یک ضدیت و نابرابری دارد. قشر ثروتمند از مقاومترین و بهترین امکانات برخوردار است و فقیر از ضعیف‌ترین ابزار موجود در طبیعت که به آسانی در آن هم حل می‌شود و استحکام و یارای مقاومت ندارد، استفاده می‌کند. درویشیان در قالب واقع‌بودگی دست به نقد وضعیت موجود زده و تضاد دارا و ندار را حتی در نوع و کیفیت سرپناه تصویر می‌کند. که هم موجب آزار و عدم ثبات روان است زیرا عبارت، برخاسته از زبان کودک است و نشان از ترس و اضطراب همیشگی وی که ناشی از تجربه‌های مکرر است، دارد و هم سبب



آوارگی و آزار جسمی و مالی حاشیه نشینان است. «نویسندگان طبیعت نو، مناظر را از نگاه کسی بررسی می کنند که مستقیماً واقعیت اطراف خود را با حواس خود تجربه کرده است» (استیبی، ۱۳۹۵: ۱۹۹).

##### ۵. نتیجه گیری

بر اساس داده های این پژوهش می توان گفت، الگوی «برجسته سازی» بیشتر در به کارگیری زبانی متفاوت رخ می نمایاند؛ به این صورت که نوع نامگذاری و فراخوانی شخصیت ها در داستان ها به شیوه ای برجسته جهت گیری دقیق راوی را نشان می دهد. استفاده از تشبیه یکی از عناصر برجسته سازی است که درویشیان از به کارگیری آن غافل نبوده است. استفاده از تشبیهات ملموس و مرتبط با محیط طبیعی که کاملاً تحت تأثیر تجربه زیسته آن ها است. بهره گیری از الگوی «هویت» به عنوان شاخصی دیگر از مؤلفه های بوم گرایانه در آثار درویشیان نمود بارزی دارد و در دو اثر مذکور بیشتر به صورت های انسان پنداری و هویت مالک نمود پیدا کرده است. ضمائر در ایجاد نقش مالکیت نقش بسزایی ایفا می کنند. مثلاً؛ زمانی که می گوید «گاو شان از گرسنگی مرد» این ضمیر، انسان و حیوان را در یک دایره قرار می دهد که ویژگی مشترک هر دو جاندار بودن و داشتن حق زندگی است. مؤلفه «محوسازی» یکی دیگر از مواردی است که درویشیان با استفاده از آن، نوع برخورد انسان با زیست بوم خود را به نمایش می گذارد. از بین بردن بی رویه درختان و شکار حیوانات ضمن محو آن ها از چرخه محیط زیست، مخاطرات بسیاری را برای جامعه انسانی به همراه می آورد. علاوه بر موارد ذکر شده، مؤلفه «قالب سازی» هم می تواند در درک بوم گرایی مؤثر باشد به این صورت که راوی با استفاده از دیدگاه و ساختار ذهنی خود به مخاطب این امکان را می دهد که بر ساخت موجود از واقعیت را درک کند. علاوه بر این ها عنصر «واقع بودگی» هم می تواند در درک زبان شناسی زیست - محیطی کارساز باشد. به این معنی که چگونه به سخن خود نزد مخاطب اعتبار و روایی بدهیم به گونه ای که واقعیت را همان گونه که هست نشان دهیم. یکی از آن ها ذکر نام راوی ماجرا است. مثلاً در جایی از داستان، ننه که راوی است می گوید دود ماشین و هواپیما باعث پیدا نبودن کهکشان راه شیری (راه مکه) شده است. در اینجا شخصی که واقعیت عینی دارد برای اثبات قضیه ای غیر علمی سخن می گوید و اساس حرف او علم نیست بلکه تجربه است و واقع بودگی، عامل اصلی آن را آلودگی محیط زیست می داند.

## منابع فارسی

- آسابرگر، آرتور (۱۳۹۸). *تحلیل گفتمان کاربردی*. ترجمه حسین پاینده، تهران: مروارید.
- اتنبرو، دیوید؛ هاگز، جانی (۱۴۰۰). *زندگی روی سیاره ما: آنچه خود شاهد آن بوده‌ام و تصویری از آینده*. ترجمه سید علیرضا نباتی، تهران: کتاب کوله‌پشتی.
- استیبی، آرن (۱۳۹۵). *زبان‌شناسی زیست محیطی*. ترجمه فردوس آقاگل‌زاده، تهران: نویسه پارسی.
- اکلشال، رابرت (۱۳۹۰). *مقدمه‌ای بر ایدئولوژی‌های سیاسی*. ترجمه محمد قاندرشرفی، تهران: نشر مرکز.
- بارکر، کریس (۱۴۰۱). *مطالعات فرهنگی؛ نظریه و عملکرد*. ترجمه مهدی فرجی و نفیسه حمیدی، تهران: مؤسسه مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- باشلار، گاستون (۱۳۹۴). *آب و رؤیاهای، ترجمه مهرنوش کی‌فرخی، آبادان: پرسش*.
- بنسون، جان (۱۳۸۲). *اخلاق محیط‌زیست: مقدمات و مقالات*. ترجمه عبدالحسین وهاب‌زاده، مشهد: جهاد دانشگاهی.
- بهروزی، سجاد؛ فنائی، ابوالقاسم (۱۴۰۱). *دین و اخلاق محیط‌زیست: از تعارض تا اجتماع هم‌پوش*. قم: دانشگاه مفید.
- پارساپور، زهرا؛ حسن‌پور، هیوا (۱۴۰۱). «تقدس و هویت یافتگی شخصیت در سایه طبیعت، پیوند شخصیت و طبیعت در رمان سوران سرد». *روایت‌شناسی*، ۶(۱۱): ۴۱-۶۳.
- پارساپور، زهرا (۱۳۹۲). *درباره نقد بوم‌گرا، ترجمه عبدالله نوروزی*. حسین فتحعلی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- پارساپور، زهرا (۱۳۹۲). *نقد بوم‌گرا*. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- پارساپور، زهرا (۱۳۹۵). *ادبیات سبز*. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- پرتوی، پروین (۱۳۹۴). *پدیدارشناسی مکان*. تهران: فرهنگستان هنر.
- پورمند، حسنعلی؛ محمودی‌نژاد، هادی؛ رنج آزمای آذری، محمد (۱۳۸۹). «مفهوم مکان و تصویر ذهنی و مراتب آن در شهرسازی از دیدگاه کریستین نوبری شولتز در رویکرد پدیدارشناسی». *مدیریت شهری*، ۸(۲۶): ۷۹-۹۲.

حسن پور، هیوا؛ پارساپور، زهرا (۱۴۰۱). «تحلیل گفتمان آگهی‌های بازرگانی بوم‌محور (مطالعه موردی: ایزی‌پک، پایپا، کریستال کوالا، آیری‌پلاست)». *مطالعات میان‌رشته‌ای در رسانه و فرهنگ*، ۱۲(۱): ۱۰۷-۱۲۶.

حلوسی، پروانه؛ تشکری، منوچهر؛ گلزاده، پروین (۱۳۹۸). «کیفر مقدّس، تحلیل بوم‌گرایانه رمان آخرین سفر زرتشت». *ادبیات پارسی معاصر*، ۹(۲): ۱۱۱-۱۲۳.

درخشه، جلال (۱۳۸۴). «جستاری در اندیشه بوم‌گرایی». *دانش سیاسی*، ۱(۱): ۱۸۰-۱۵۹.

درویشیان، علی‌اشرف (۱۳۸۳). *همراه آهنگ‌های بابام*. تهران: نشر چشمه.

درویشیان، علی‌اشرف (۱۴۰۰). *آبشوران*. تهران: نشر چشمه.

ذوالفقارخانی، مسلم (۱۳۹۹). «بوم‌گرایی در آثار نیما یوشیج و رالف والدو امرسون». *نقد زبان و ادبیات خارجی*، ۱۷(۲۴): ۲۷۶-۲۴۷.

رادمنش، محمد (۱۳۹۵). *جنایت علیه محیط‌زیست*. هرا: ایرانیکا.

رستمی، زهرا (۱۳۹۱). «بوم‌گرایی در آثار نویسندگان کرمانشاهی با تکیه بر سه اثر از علی محمد افغانی، علی‌اشرف درویشیان و منصور یاقوتی». *دانشگاه پیام نور*، تهران.

ریون، پیتر اچ؛ هاسن زال، دیوید ام؛ هیگل، مری کاترین؛ گیفت، نانسی وای؛ برگ، لیندا آر. (۱۳۹۹). *محیط‌زیست*، ترجمه محمدرضا افضلی. تهران: شرکت انتشارات فنی ایران.

صادقی، شهپر (۱۳۹۶). «تشبیه در اقلیم داستان، بررسی تشبیهات اقلیمی در داستان‌های پنج حوزه اقلیم‌نویسی ایران». *مطالعات زبانی و بلاغی*، ۸(۱۶): ۱۸۹-۲۲۲.

صدیقی، سردار (۱۳۹۹). *تغییر اقلیم*. تهدید هزاره سوم. تهران: شرکت کیمیا خردپارس.

عادل‌لی، هدیه (۱۳۹۹). *مدیریت محیط‌زیست با رویکرد معماری پایدار*. تهران: پیام مؤلف.

قطره، فریبا؛ پشتوان، حمیده؛ دستنایی، مهناز (۱۳۹۴). «رویکرد زیست‌محیطی در پژوهش‌های زبان». *زبان‌شناخت*، ۶(۱۱): ۲۴۳-۲۳۱.

کرمی‌چمه، یوسف؛ هدایتی‌زاده، هاجر (۱۴۰۲). «تحلیل گفتمان بوم‌گرایی در آثار علی‌اشرف درویشیان (مطالعه موردی: مجموعه داستان‌های آبشوران و همراه آهنگ‌های بابام)». *تحلیل گفتمان ادبی*، ۱(۱): ۱۰۹-۱۲۹.

مقداری، صدیقه سادات (۱۴۰۰). «تحلیل رویکردهای محیط‌زیستی از منظر زبان‌شناسی محیط زیستی». *محیط زیست و توسعه*، ۱۲(۲۳): ۱۲۰-۱۰۵.

موتتر، گرلینده (۱۳۹۷). *گفتمان و مدیریت*. ترجمه روح‌اله عطایی، تهران: لوگوس.

نیس، آرنه (۱۳۹۹). *بوم‌شناسی، اجتماع و سبک زندگی*. ترجمه نسرین خسروی، تهران: بان.

ویسی، الخاص (۱۳۸۶). «ریشه‌شناسی واژه‌های آب و آتش و باد در فرهنگ و ادبیات ایرانیان از دیدگاه زبان‌شناسی زیست‌محیطی». *ویژه زبان و ادبیات فارسی*، ۳(۵): ۸۰-۷۰.

یوما، راجر پرمین؛ مک‌گیل‌ری، جیمز (۱۳۸۲). *اقتصاد محیط زیست و منابع طبیعی*. ترجمه حمیدرضا ارباب، تهران: نشرنی.

## References

Gu, Y. & Guo, F. (2023). An Ecological Discourse Analysis of Border Town from the Interpersonal Function Perspective: A Literature Review. *International Journal of Linguistics, Literature and Translation*, 6(3): 71-79.

